یادداشت میهمان

وقاحت و گستاخی اروپایی‌ها

۱- INSTEX در حقیقت کانال غیرمالی است چراکه قرار نیست پولی به ایران برسد و از برداشتن تحریم‌های مالی و بانکی و نفتی و بیمه‌ای در برجام و تضمین فروش نفت و برگشت پول آن به کشور در SPV، به کانال غذا و دارو رسید! اینستکس ابزار مکمل برجام و همان سیاست چماق و هویج برای محدود کردن بیشتر ایران است. آمریکا در تقابل با ایران در ماه‌های گذشته تمام کارت‌های خود را استفاده کرده است و فریبکاری‌های اتحادیه اروپا تحت عنوان تعامل و تجارت با ایران نقطه عطف و کانون جدیدِ در حال ظهور علیه ایران تلقی می‌شود. قطعا هدف اروپایی‌ها از اینستکس و اس‌پی‌وی همچون برجام، همان سناریوی آمریکا برای تاثیرگذاری بر سیاست‌های جمهوری اسلامی و دخالت و نفوذ در امور داخلی کشور و نهایتا نرمالیزاسیون و تغییر نظام جمهوری اسلامی است. چراکه در قرن بیست و یکم و در عصر انقلاب صنعتی دیجیتال و جهانی شدن، محدود بودن این ابزار به مبادله تهاتری و پایاپای دارو و غذا فقط با سه کشور با عنوان فریبنده و دروغین «بازگشت به جامعه جهانی» به نوعی «برگشت به عصر انسان نخستین» است که زندگی خود را از طریق داد و ستد می‌گذراندند. لذا ساختار اینستکس نشان‌دهنده بی‌خاصیت بودن این ساز و کار و تحقیرآمیز بودن آن است.

۲- پاسخ به این سؤال که چرا ساز و کار به اصطلاح مالی اروپایی‌ها به سرانجام نمی‌رسد؟، خیلی ساده است: «به همان دلایلی که برجام به نتیجه نرسید و اروپایی‌ها منافقانه به تعهدات خود عمل نکردند!» حال جبران نقض‌عهدها و خروج آمریکا از برجام پیشکش! اروپایی‌ها علاوه بر همه بدعهدی‌ها، در همین ساز و کار نیز نشان دادند که بسیار غیرقابل اعتماد و فریبکارند. با خروج آمریکا از برجام اروپایی‌ها در مهلت چند هفته‌ای قول داده بودند فروش نفت ایران و برگشت پول آن به کشور را تضمین کنند اما با وقاحت تمام ساز و کار غذا و دارو در برابر نفت را تحویل دادند؟! لذا اگر اروپایی‌ها به دنبال بازی دادن تیم مذاکره‌کننده و فریبکاری نبودند، همان تعهدات خود را انجام می‌دادند. هرچند آقای ظریف و دوستانش ادعا می‌کنند اروپایی‌ها «نمی‌توانند»، اما به هزار و یک دلیل واقعیت این است که «نمی‌خواهند!».

۳- ادعای دروغین اروپایی‌ها و رسانه‌های غربی درباره دور زدن تحریم‌های آمریکا با این کانال، ناشی از همان وقاحت و فریبکاری آنها و یک جنگ زرگری است. چراکه اولا با گستاخی تمام و در هماهنگی کامل با آمریکا، با دخالت در امور داخلی و روند قانون‌گذاری و سیاست خارجه کشورمان، فرصت‌طلبانه زیاده‌خواهی‌های فرابرجامی آمریکا را به عنوان تعهدات جدید ایران مطرح کردند. ثانیا با توجه به اینکه اروپایی‌ها صریحا تاکید کردند این کانال فقط شامل کالاهای غیرتحریمی می‌شود، ادعای دور زدن تحریم‌های آمریکا دیگر معنایی ندارد. ثالثا اینستکس فقط یک ابزار بین سه دولت برای «حمایت از تبادلات تجاری» و نه برای «برقراری تبادلات تجاری» است. لذا وقتی شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی به دلیل ترس از تحریم‌های آمریکا، حاضر به برقراری تبادلات تجاری و مالی با ایران نیستند و اصل موضوع منتفی است، دیگر زمینه‌ای برای استفاده از این ابزار وجود ندارد. رابعا با ادعای برقراری این کانال برای تامین غذا و دارو، در حقیقت از یک‌سو تلاشی فریبکارانه برای جلوگیری از متهم شدن آمریکا به نقض حقوق بشر به دلیل اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران است و از سوی دیگر فضاسازی برای القای وخامت و بحرانی بودن اوضاع ایران و القای ناامیدی و تاثیرگذاری بر فضای سیاسی داخلی در جهت ایجاد فتنه در سال ۹۸ از طریق تحریک مردم به شورش است که البته به قول رهبر معظم انقلاب نقشه آنها لو رفته است و مردم فهیم ایران سال‌هاست که دست آنها را خوانده‌اند و در ۲۲ بهمن با شگفتی‌سازی تمام پاسخ قاطعی به اروپا و آمریکا دادند. خامسا وقاحت و گستاخی و فریبکاری اروپایی‌ها آن‌قدر بی حد و مرز است که با ادعای بهره‌مند کردن ایران از منافع اقتصادی برجام، در تناقضی آشکار اولین کشورهایی بودند که در همراهی با سیاست‌های آمریکا خرید نفت از ایران را متوقف کردند. درحالی که وزیر نفت ادعا می‌کرد قرارداد با توتال امنیت‌زا و موجب لغو تحریم‌ها می‌شود، حال اروپایی‌ها با وجودی که عملا مجوز خرید نفت از ایران را دارند و از تحریم‌های آمریکا معاف‌اند، با قطع خرید نفت حتی جواب تلفن‌های مکرر بیژن زنگنه را هم نمی‌دهند! اروپایی‌ها اگر صداقت داشتند، به خرید نفت از ایران ادامه می‌دادند نه اینکه پول فروش نفت ایران به دیگر کشورها را به دستور آمریکا در حسابی مسدود کنند و بعد به عنوان صدقه، دارو و غذا به ما بدهند؟! حال آقایان روحانی و ظریف چگونه ادعا دارند با این کانال زندگی مردم ۲۰ درصد ارزان‌تر می‌شود!؟ سادسا اروپایی‌ها در حالی ادعا دارند می‌خواهند ساز و کار مالی برای تجارت با ایران برقرار کنند، که در تناقضی روشن ایران را تحریم و اذعان می‌کنند آماده‌ایم تحریم‌های بیشتری علیه ایران اعمال کنیم! این همان قاعده ریاضی جمع مثبت و منفی یک عدد مساوی با صفر است! چگونه هم می‌خواهند روابط بانکی و مالی با ایران برقرار کنند و هم این روابط بانکی و مالی را تحریم کنند؟ سابعا اتحادیه اروپا با این سازوکار به آمریکا اطمینان می‌دهد که با نگه داشتن ایران در برجام، با خیال راحت فشارهای خود علیه ایران را تشدید کند. ثامنا آنچه فریبکاری و گستاخی اروپایی‌ها را بیشتر آشکار و هضم ادعای برخی داخلیها برای بهبود وضعیت اقتصادی را غامض می‌کند، این است که اروپایی‌ها قرار بود قبل از اعلام تحریم‌های آمریکا در فوریه سال گذشته ساز و کار مالی را اعلام کنند، اما بعداز اعمال تحریم‌های آمریکا و خود علیه ایران سازوکاری غیرمالی را اعلام کردند تا پیام و تاثیر تحریم‌ها هم به خوبی از سوی شرکتها و بانک‌های خارجی درک شود. لذا این ساز و کار با ایجاد محدودیت بیشتر در حقیقت تایید تحریم‌های آمریکا و تاکیدی بر مجازاتهای نقض این تحریم‌هاست و این پیام را می‌دهد که هیچ‌گونه روابط تجاری خارج از این سازوکار با ایران قابل قبول و انجام نیست.

۴- البته «تهدیدنمایی دستاوردهای دفاعی» در مقابل «کارآمدنمایی اینستکس» در برخی رسانه‌ها و محافل سیاسی داخلی از سوی جریان نفوذی همزمان با رسانه‌های غربی نیز بسیار تعجب‌برانگیز است و در حقیقت تلاشی برای فرار به جلو است تا در آینده شکست اینستکس را هم همچون شکست برجام به گردن نظام بیندازند! نکته تاسف‌بار اینکه دولت و رسانه‌های حامی دولت مثل برجام و SPV، اکنون نیز تلاش دارند با کارآمدنمایی دروغین اینستکس همچنان امید کاذب ایجاد کنند اقدامی که در حقیقت منجر به فرصت‌سوزی و تهدیدسازی بیشتر خواهد شد و به جای تبدیل تهدیدات به فرصت، فرصتها را به تهدید تبدیل می‌کند. بعد از نه ماه سرگرم کردن مردم با «SPV»، قصد دارند حداقل تا نه ماه دیگر مردم را با «اینستکس» فریب دهند، یعنی روز از نو، روزی از نو! با توجه به شباهت‌های برجام امروز با توافقات سعدآباد در دهه۸۰، روزنامه اقتصادی «لزاکو» چاپ پاریس در گزارشی نوشت «اروپایی‌ها در حال نمایش بازی کردن هستند». هم در برجام و هم در توافقات سعدآباد قول‌هایی داده شد و آقای روحانی به طرف‌های اروپایی اعتماد کرد اما آنها با بی‌اعتمادی کامل زیر تعهدات خود زدند.

۵- آنچه که موجب شده تا اروپایی‌ها این‌قدر گستاخ و وقیح شوند قطعا و یقینا مواضع انفعالی دولت و به ویژه وزارت امور خارجه از ابتدای برجام تاکنون است. متاسفانه دولت نه تنها نتوانست پرونده PMD و برنامه هسته‌ای را ببندد، بلکه با برجام و مواضع انفعالی‌اش، پرونده‌های جدیدی در زمینه قدرت دفاع موشکی و حضور مقتدرانه در منطقه و همچنین حقوق بشری علیه ایران گشوده شده است. آن‌گونه که تحلیلگر فرانسوی عقیده دارد «اشتباهات دولت ایران در پنج سال اخیر در سیاست خارجی به آمریکا فرصت داده است تا فشارها علیه ایران را تشدید کند». تیری میسان ۱۷ بهمن در پایگاه خبری ولتر نت با اشاره به امید آمریکا به اشتباهات دولت روحانی می‌گوید «نشست ورشو نتیجه این اشتباهات دولت ایران است». وی با بیان اینکه «روحانی با امضای برجام و با شعار پایان تحریم‌ها به دموکرات‌ها دل بست و سیستم دور زدن تحریم‌های ایران را از بین برد»، تاکید می‌کند «اما در این سناریو آمریکا با اطمینان از عدم دور زدن تحریم‌ها و بدون لغو تحریم‌ها، برجام را پاره کرد و اقتصاد ایران را هدف قرار داد». لذا اینستکس نتیجه اطمینانی بود که دولت به آمریکا و اروپایی‌ها داد که اگر شما هم از برجام خارج شوید، ایران در برجام می‌ماند! استقبال وزارت خارجه از اینستکس نیز به این معناست که آمریکا و اروپا دیگر هیچ بدهی و تعهدی به ایران ندارند و این ایران است که بدون هیچ مطالبه‌ای باید تعهدات بیشتری را بپذیرد! بازی برجام و SPV و اینستکس در حقیقت بازی مار و پله غرب بود که دولت ایران بعد از دادن امتیازات فراوان اکنون به نقطه صفر رسیده و پس از شش سال تبدیل فرصت‌ها به تهدید، دوباره باید این مسیر سراسر خسارت‌بار را آغاز کند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها با دستی بازتر فشارها بر ملت ایران را افزایش دهند. ملت ایران در رفراندوم بزرگ ۲۲ بهمن و نیروهای مسلح با شلیک موشک هویزه پاسخ زیاده‌خواهی‌های دشمنان را با قاطعیت تمام دادند و حالا نوبت دولت است که به پشتوانه قدرت ملت و اقتدار نیروهای مسلح به جای انفعال، تصمیمات نظام را در مقابل توهمات آمریکایی‌ها و گستاخی اروپایی‌ها به اجرا بگذارد و تا دیر نشده با صراحت پایان برجام را اعلام کند و اقتصاد مقاومتی را به اجرا بگذارد. امید متوهمانه به ساز و کار سه کشور اروپایی برای جبران خسارت‌های برجام و تحریم‌های آمریکا همچون تضمین امضای جان کری سرابی بیش نیست. چرا که انفعال یک طرف که از حد بگذرد، توهمات و گستاخی و وقاحت طرف مقابل هم از حد می‌گذرد!

دکتر محمدحسین محترم

گزارش خبری تحلیلی کیهان

تغییر مسیر و رسیدگی به معیشت تنها راه بازگشت اعتبار دولت

سرویس سیاسی- مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم محبوبیت و اعتبار دولت را در افکار عمومی به شدت کاهش داده است، ادامه وضعیت بی‌عملی از سوی دولت و رها کردن مشکلات و مردم، استعفا و یا برکناری دولت و تغییر ریل و انجام وظایف قانونی سه راهی است که در برخورد با این وضعیت می‌شود بدان پرداخت، با توجه به اینکه مشکلات مشخص و راهکارها نیز معین هستند تنها راه مطلوب و مفید، ادامه فعالیت دولت همراه با تغییر مسیر و انجام وظایف قانونی در جهت حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است.

وضعیت اقتصادی کشور که مدیریت آن بر عهده دولت مستقر است به گونه‌ای رقم خورده که نیازی به نظرسنجی برای فهم میزان محبوبیت و اعتبار دولت نیست ولی با این وجود نظرسنجی‌های متعدد مراکز افکار سنجی مختلف که نتایج آن بر دولتمردان نیز مکشوف و مشخص است نشان می‌دهد میزان اعتبار دولت کاهش چشمگیری داشته است.

نوسان شدید قیمت‌ها و افزایش روزانه و ساعتی نرخی اقلام ضروری زندگی مردم از گوشت گرفته تا سایر ضروریات زمینه‌ساز آن شده است که برخی روزنامه‌ها و رسانه‌های حامی دولت اصولا خوردن گوشت را بیماری زا خوانده و بگویند اصلا چه نیازی است که گوشت بخورید!

با این حساب که وضعیت اقتصادی روز به روز با توجه به انفعال مسئولین به سمت ناراضی‌سازی جامعه سیر می‌کند فهم میزان اعتبار دولت نیازمند نظرسنجی و راه افتادن و پرسیدن از این و آن نیست، کافی است در مغازه ، تاکسی، مترو، خیابان، قصابی، نانوایی و...حضور پیدا کنی و سخنان مردم را بشنوی!

سه راه ممکن و راه مطلوب!

با توجه به وضعیت پیش گفته سه راه وجود دارد، نخست آنکه دولت همین راهی که در پیش گرفته است را ادامه دهد و نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم کاملا بی‌تفاوت بوده و همه را به امان خدا رها کند و بگوید همین که هست!

دومین راه که برخی از آن سخن می‌گویند آنکه دولت به دلیل عدم کفایت در انجام وظایف خود استعفا داده و یا برکنار شود!

سومین راه که تنها گزینه مطلوب و عقلانی است آنکه دولت ریل و مسیر حرکت را تغییر داده و به انجام وظایف خود بپردازد.

مشکلات اقتصادی کشور راه‌حل دارد

بی شک مشکلات کنونی اقتصادی کشور راهکار داشته و چنان پیچیده نیستند که نتوان از آنها عبور کرد. رهبر معظم انقلاب روز دوشنبه در جمع هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی به این واقعیت‌اشاره و تصریح کردند : « همه مشکلات کشور اعم از گرانی‌ها، کاهش ارزش ریال و مسائل تولید داخلی قابل حل است اما نیازمند صبر، تدبیر، اتحاد و جدیت مسئولان در حرکت است.»

رهبر معظم انقلاب در پیام راهبردی «گام دوم» نیز با اشاره به سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی، تفاوت چالش‌های دیروز و امروز انقلاب با مستکبران به ظرفیت‌های مهم کشور برای «گام دوم انقلاب» از جمله نیروی انسانی مستعد و کارآمد و فرصت‌های مادی کشور پرداخته و توصیه‌هایی را برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی(عج) مطرح ساختند.

در بند مربوط به «مسائل اقتصادی» رهبر معظم انقلاب چالش‌های اقتصادی کشور را چنین برشمرده‌اند؛

۱- چالش بیرونی: تحریم و وسوسه‌های دشمن

۲- چالش درونی: عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریّتی

معظم‌له با اشاره به اینکه «در صورت اصلاح مشکل درونی، چالش بیرونی کم‌اثر یا بی‌اثر خواهد شد» مهم‌ترین عیوب ساختاری اقتصاد کشور را نیز چنین شماره کرده‌اند؛

۱- وابستگی اقتصاد به نفت

۲- دولتی بودن بخشهایی که در حیطه وظایف دولت نیست

۳- نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیّت داخلی

۴- استفاده اندک از ظرفیّت نیروی انسانی کشور

۵- بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن

۶- عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد

۷- عدم رعایت اولویّت‌ها

۸- وجود هزینه‌های زائد و مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی

در این پیام راهبردی علاوه‌بر برشمرده شدن «چالش‌های اقتصادی» و «عیوب ساختاری اقتصاد کشور» راهکارها نیز مطرح شده است، این راهبردها عبارتند از؛

۱- درون‌زایی اقتصاد کشور

۲- مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن

۳- مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت

۴- برون‌گرایی با استفاده از ظرفیّت‌ها

۵- سپردن کار به دست یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی

کارها را باید این دولت انجام بدهد

با توجه به آنچه گفته شد مشکلات مشخص و راهکارها نیز مشخص هستند و تنها اقدام و عمل لازم است و دولت باید بماند و مشکلاتی که با اهمال کاری و رهاسازی اوضاع کشور به وجود آورده است را به حالت مطلوب رسانده و دولت را به شکلی که قانون مقرر کرده است به مسئولین قانونی بعدی محول کند.

رهبر معظم انقلاب ۲۲ مرداد ماه امسال در دیدار هزاران نفر از قشرهای مردم از استان‌های مختلف به این مسئله‌اشاره و تصریح کرده بودند : اینهایی که خطاب می‌کنند به دولت که بایستی دولت برکنار بشود و از این قبیل حرفها، اینها دارند در نقشه دشمن کار می‌کنند. نخیر، دولت باید با قوّت سرِ کار بماند، کارها را باید این دولت انجام بدهد. رئیس‌جمهور، منتخب مردم است؛ مجلس هم منتخب مردم است؛ هم رئیس‌جمهور حق دارد، هم مجلس حق دارد، هر دو حقوقی دارند و تکالیفی دارند؛ تکالیف را باید انجام بدهند، حقوقشان و کرامتشان هم باید حفظ بشود.

معظم‌له در همین سخنرانی تصریح کردند که هیچ بن‌بستی وجود ندارد و راه‌حل‌ها مشخص است : «من می‌گویم در کشور هیچ بن‌بستی وجود ندارد؛ در همین زمینه اقتصادی، هیچ بن‌بستی وجود ندارد. این‌جور نیست که راه‌حل نباشد؛ نخیر، مشکلات کشور، مشکلات اقتصاد، شناخته‌شده است، راه‌حل‌ها هم شناخته‌شده است. کننده‌ها باید ان‌شاءالله همّت کنند، دامن همّت به کمر بزنند.»

با توجه به آنچه ذکر شد وقتی مشکلات مشخص، راهکارها نیز بر اساس آنچه تحلیل‌گرها و کارشناسان اقتصادی می‌گویند و به آن اذعان دارند معین است مسئولین مربوطه که قانون آنها را مشخص کرده و منتخب مردم هستند بایستی به مسئولیت شرعی و قانونی خود در رسیدگی به این مشکلات عمل کنند.

به ابتدای گزارش بر می‌گردیم و آن اینکه رها سازی اقتصاد و معیشت مردم محبوبیت مسئولین را به شدت کاهش می‌دهد، زمانی که قیمت‌ها روزانه و لحظه‌ای تغییر می‌کنند احتمال توطئه برای رسیدن به اهداف شوم به عقل انسان‌های دور اندیش خطور می‌کند، زمانی که خودروهای داخلی چون پراید در هفته گذشته رشد شدید قیمت را شاهد بود و مسئولین نیز با زبان بی‌زبانی یا صریح می‌گویند «همین که هست» ناخودآگاه این مسئله به ذهن خطور می‌کند که شاید نقشه دیگری در کار است.

اقتضائات جنگ اقتصادی

کشور در شرایط جنگ اقتصادی به سر می‌برد، دشمنی که آدم اجیر می‌کند تا در اهواز و سیستان و بلوچستان تیراندازی کرده، عملیات انتحاری و ترورکند هیچ ابایی ندارد که انسان دیگری را به خدمت گرفته و به اقتصاد کشور ضربه بزند.

شناسایی برخی نفوذی‌ها در تیم‌های مذاکره‌کننده و دستگیری آنها، بازداشت برخی کلان مفسدین اقتصادی و اعدام چند تن از آنها و ادامه محاکمه برخی دیگر و...نکات متعددی را در این زمینه روشن می‌سازد و نخستین این نکات آنکه تروریست‌های اقتصادی گردنه‌های حساس مرتبط با معیشت مردم را هدف گرفته‌اند.

در شرایط کنونی که آیت‌الله آملی لاریجانی مسئولیت جدید خود را در مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز کرده و رئیس‌جدید دستگاه قضا به زودی از سوی رهبر معظم انقلاب معرفی خواهد شد ضروری است که روند آغاز شده در برخورد قاطع با تروریست‌های اقتصادی ادامه یافته و تشدید شود.

خبر ویژه

اگر مشکلات مردم را حل نمی‌کنید لااقل به شعورشان احترام بگذارید

یک سایت حامی دولت ضمن اعتراض به سخنان روحانی درباره ارزانی اجناس و قاچاق پرسید: نمی‌دانید یا تجاهل می‌کنید؟!

عصر ایران نوشت: اخیراً رئیس‌جمهور حسن روحانی در توضیح علت قاچاق گفته است: علت قاچاق ارزانی است، وقتی جنسی در داخل ارزان است و در خارج گران، خود به خود قاچاق آن به خارج صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال چون الان گوشت در عراق گران‌تر از ایران است، از کشورمان به آنجا قاچاق می‌شود. درباره قاچاق بنزین نیز همین موضوع مصداق دارد.

آقای روحانی چنان می‌گوید چون در داخل ارزانی است که اگر کسی مطلع نباشد و حرف‌های او را بشنود، فکر می‌کند مردم غرق در ارزانی هستند و لابد معیشت سهلی دارند!

ارزانی و گرانی، مفاهیمی نسبی هستند؛ قیمت کالا و خدمات به نسبت درآمد عموم جامعه بسیار بالاست و اکثر مردم به‌معنای واقعی کلمه لنگ امور روزمره معیشتی هستند.

در چنین وضعیتی به‌رخ کشیدن قیمت‌های بالا در سایر کشورها، کاری نخ‌نما، زشت و زننده است. نخ‌نما از آن جهت که بارها و بارها تکرار شده و اکنون حال شنونده را به هم می‌زند و زشت و زننده نیز بدان علت که مخاطب احساس می‌کند شعورش نادیده گرفته می‌شود.

مثلاً مدام قیمت بالای بنزین در کشورهای دیگر را علم می‌کنند و بر سر مردم می‌کوبند اما عمداً یادشان می‌رود بگویند در هیچ جای دنیا قیمت خودرو این اندازه ایران نیست.

یا می‌گویند قیمت آب و برق و گوشت و اجاره خانه و ... در فلان کشورها بالاست ولی اصلاً به رویشان نمی‌آورند که اگر آنجا به دلار و یورو می‌خرند، درآمدشان نیز به دلار و یورو و نظایر آن است.

مدیران هر وقت درآمدها را بالا بردند، بیایند و درباره قیمت‌ها در خارج حرف بزنند والا بهتر است سکوت کنند و با حرف‌های خامشان نمک بر زخم مردم نپاشند.

انگار آقای روحانی متوجه نیست یا تجاهل می‌کند که علت قاچاق کالاهای ایرانی به خارج کشور، افت شدید ارزش پول ملی است.

بحث‌های تئوریک به‌جای خود ولی قاچاق علت‌های دیگری هم دارد که مهمترین‌شان بی‌تدبیری است. وقتی ارزش ریال پایین آمد، دولتمردان باید پیش‌بینی می‌کردند که چه کالاهایی در این تفاوت قیمتی جدید ممکن است قاچاق شوند؛ نه اینکه بی‌مسئولانه بایستند و تماشا کنند و تنها بعد از این که قاچاق به خارج و کمبود در داخل شدت گرفت، کارهای عجیب و غریبی مانند وارد کردن گوسفند با بوئینگ انجام دهند.

اگر مدیریت این است که نیازی به این همه دبدبه و کبکبه و آن همه مدیر مدعی و سازمان‌های عریض و طویل نبود.

گیریم که همه حرف‌های رئیس‌جمهور درست! آیا او را انتخاب کرده‌ایم که حرف بزند یا عمل کند؟ اصلاً می‌پذیریم که علت قاچاق، ارزانی است. خب حالا چه کنیم؟ هورا بکشیم؟ دست بزنیم؟!

نکند راهکار دولت این است که قیمت‌ها را بالا ببرند تا ارزانی نباشد و قاچاق صورت نگیرد!

اصلاً مگر ما رئیس‌جمهور انتخاب کرده‌ایم که علل قاچاق را برایمان تشریح کند؟ پس چه کسی مانع قاچاق شود؟

دیدید پالایشگاه بومی بنزین ضرورت داشت، آقای وزیر!

وزیر نفت در آیین بهره‌برداری از فاز سوم پالایشگاه ستاره خلیج فارس، این رخداد قابل‌توجه را نشان‌دهنده توجه خود به مقوله توسعه صنایع پالایشی عنوان کرده و گفته است افزایش دو برابری ظرفیت صنعت پالایشی، بیانگر این است که انتقادات به نحوه نگرش وزارت نفت به این حوزه از اساس باطل است.

روزنامه جوان ضمن انتشار این مطلب نوشت: این گفته‌های وزیر نفت شاید در نگاه نخست برای عموم جامعه قابل‌پذیرش باشد، ولی ادعای آنکه وزیر نفت به توسعه صنایع پالایشی اعتقاد دارد با عملکرد و اظهارات گذشته او تناقضی آشکار دارد. برای فهم بهتر این موضوع باید به این مهم اشاره کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سه پالایشگاه در کشور ساخته شد که هیچ‌کدام از آنها، اصولاً ارتباطی به وزیر نفت ندارد. دو پالایشگاه امام‌خمینی شازند و بندرعباس در دولت کارگزاران تصویب و اجرا شد و پالایشگاه ستاره خلیج فارس هم در سال ۸۵ کلید خورد و با پیشرفت بالای ۶۰ درصدی تحویل دولت یازدهم شد.

در دولت یازدهم، وعده‌های بسیاری درباره بهره‌برداری کامل از پالایشگاه ستاره خلیج فارس داده شد که در نهایت سه فاز این پالایشگاه در اواخر سال ۹۷ به بهره‌برداری رسید، در حالی که قرار بود این مهم در سال ۹۴ محقق شود. با هر کندی که بود، رسانه‌ها فشارهای خود را به تأخیرهای صورت گرفته مضاعف کردند و در نهایت این پالایشگاه به تکامل رسید.

نباید فراموش کرد که اگر دیدگاه وزیر نفت توسط پیشینیان وی حکمفرما بود، امروز وضعیت بغرنجی در پالایش را به نظاره می‌نشستیم. در دولت گذشته، طرح مهمی در دستور اجرا قرار گرفت که بر اساس آن، با توسعه فازهای پارس جنوبی، میزان تولید میعانات گازی به بیش از ۶۰۰ هزار بشکه خواهد رسید و بهتر است به جای خام فروشی و صادرات صرف میعانات گازی، این ثروت را تبدیل به فرآورده‌های نفتی کرده و علاوه بر جلوگیری از واردات بنزین، ایران به جمع صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی بپیوندد. طی سال‌های ۸۵ تا ۸۶ بخشی از منابع بانک مرکزی در این پروژه ایرانی هزینه شد که با تحریم‌های صورت گرفته، هزینه‌ها افزایش یافت، اما هر طور که بود، احداث پالایشگاه متوقف نشد و دولت یازدهم و دوازدهم، با وجود تأخیرهای مکرر، این پروژه را به پایان نزدیک کرد. افتخار راه‌اندازی این پالایشگاه برای نظام جمهوری اسلامی ایران است، ولی کسانی که از اساس پالایشگاه‌سازی را رد می‌کردند، امروز معتقدند با مدیریت خود توانستند ظرفیت پالایشی کشور را دو برابر کنند.

اگر واقعاً وزارت نفت اعتقادی به پالایشگاه‌سازی داشت، پالایشگاه آناهیتا را جدی‌تر دنبال می‌کرد یا با تصمیم‌گیری‌های شتابزده، سرنوشت طرح‌های پالایشی مانند پالایشگاه هرمز را در نطفه خفه نمی‌کرد. تنها طرح پالایشی که وزارت نفت به صورت خام و ابتدایی آن را به پیش برد، هشت پالایشگاه ۶۰ هزار بشکه‌ای سیراف بود که قرار بود تا سال ۹۶ افتتاح شود، اما به حال خود رها شد با پیشرفت فیزیکی ۵ درصد. وزیر نفت در طول هشت سال وزارت خود در دولت اصلاحات نیز یک طرح پالایشی را کلید نزد تا ایران متکی به واردات بنزین شود؛ چراکه «ژنرال» معتقد بود ساخت پالایشگاه به صرفه نیست. این نقطه ضعف بزرگ، موجب شد تا آمریکا صادرات بنزین به ایران را تحریم کند، هدف‌گیری دقیق آن‌ها گرچه با شکست مواجه شد و بنزین پتروشیمی‌ها به کمک آمد، اما تبعات خطای استراتژیکی که زنگنه طی سال‌های ۷۶ تا ۸۴ انجام داده بود، به خوبی نشان داد که یک تصمیم اشتباه، چه بلایی می‌تواند بر کشور نازل کند.

آمریکا و اروپا تقسیم کار کرده‌اند بود و نبود برجام فرقی ندارد

یک سایت حامی برجام تصریح کرد آمریکا در مسئله نقض برجام، تقسیم کار کرده و نقش پلیس خوب و بد را بازی می‌کنند.

«دیپلماسی ایرانی» وابسته به صادق خرازی (دیپلمات دوره اصلاحات) نوشت: توافق هسته‌ای در حال حاضر به پیکره بی‌رمق و خسته‌ای بدل شده که بودن یا نبودنش تفاوتی ندارد.

می‌توان توافق هسته‌ای را سندی مکتوب میان تابعین حقوق بین‌الملل دانست که بر مبنای اصول حقوقی تنظیم شده و به تصویب طرفین رسیده است و می‌توان این توافق را بر اساس حقوق معاهدات «معاهده بین‌المللی خاص، رسمی، چندجانبه و معاهده از نوع قرارداد خاص دانست که کلیه مراحل انعقاد و اجرائی شدن یک معاهده بین‌المللی را دارا بوده و توسط حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است».

در معاهدات نیز شروط فسخ و ابطال و نسخ آنها قید می‌شود و یا با اتمام مدت معاهده خود به خود معاهده مورد نظر فسخ می‌شود. در معاهدات چند جانبه چنانچه یکی از طرفین بدون تحقق شرایط مندرج در معاهده از آن خارج شود تفسیر یک جانبه صورت گرفته که از نظر حقوقی ارزشی نیز ندارد و معاهده به قوت خود باقی است.

در این میان در حالی که آمریکایی‌ها بدون تحقق شرایط مندرج در معاهده و بر مبنای تفسیر یک جانبه (که فاقد ارزش حقوقی است) از این توافق خارج شده‌اند اروپایی‌ها در قامت پلیس خوب وارد میدان شده و اعلام پایبندی به این توافق را کرده‌اند. روی دیگر این سکه به این معناست که در حالی که جمهوری اسلامی از سوی آمریکا مورد تحریم قرار می‌گیرد باید تعهدات خود را در توافق هسته‌ای انجام دهد و چنانچه خروج از این معاهده را مطرح کند، ایران ناقض و فسخ‌کننده این قرارداد شناخته خواهد شد.

در این میان تقسیم نقش اروپا و آمریکا بسیار ظریف و با دقت صورت گرفته است که برای ایران معامله دوسر باخت محسوب می‌شود. در حالی که اروپایی‌ها مدعی راه‌اندازی کانال تبادل مالی با ایران هستند هنوز ایران قادر به دسترسی به بازارهای سرمایه در جهان نیست و این به معنای عدم عزم جدی اروپا برای منتفع ساختن ایران از قبل این توافق است.

همان‌گونه که برجام، مکانیزم‌ساز نبود، سازوکارهای بعدی اروپایی‌ها نیز مکانیزم‌ساز نیست چرا که اساسا مسئله ایران ترنسفر مالی به صورت شبکه‌ای و دسترسی به بازارهای جهانی است در حالی که انتقال فیزیکی پول نمی‌تواند ایران را از منافع گردش سرمایه بهره‌مند کند.

گفت و شنود

به تو چه؟!

گفت: مدعیان اصلاحات و اعتدال و کارگزارانی‌ها با کنایه به نیروهای انقلاب دلواپس می‌گویند! مگر دلواپس بودن جرم است؟!

گفتم: ای عوام! کسانی که با مفسدان اقتصادی و رانت‌خواران و دشمنان مردم برای ایجاد مشکلات اقتصادی در کشور و ناراضی‌کردن ملت هماهنگ شده‌اند، باید هم دلواپسان را دشمن خود بدانند!

گفت: چرا ؟!

گفتم: خب، برای این که از درک و شعور آنها وحشت دارند و می‌ترسند دلواپسی آنها از مشکلاتی که رانت‌خواران و مفسدان آفریده‌اند باعث شود پته آنها را روی آب بریزند و از فساد آنها جلوگیری کنند!

گفت: یعنی نمی‌فهمند که مشکلات موجود گریبان خودشان را هم می گیرد؟!

گفتم: یارو مشغول قماربازی بود. گفتند؛ چه نشسته‌ای که یک نفر درون آب افتاده و دارد غرق می‌شود! گفت؛ به من چه؟! گفتند؛ برادر خودت است و یارو با بی‌خیالی به قماربازی ادامه داد و گفت؛ پس به تو چه؟!

جوابیه آشنا و پاسخ کیهان

آقای حسام‌الدین آشنا، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور در پاسخ به نکته کیهان ۲۷ بهمن ماه که در آن توئیت ایشان نقد شده بود، جوابیه‌ای فرستاده است که متن کامل آن همراه با پاسخ کیهان از نظرتان می گذرد. با این توضیح که آشنا، انتقاد خون شهدای پاسدار در عملیات تروریستی زاهدان را «افتادن در چرخه باطل انتقام» دانسته بود و کیهان این دیدگاه را انحرافی، وادادگی و حمایت ضمنی آشنا از تروریست‌ها ارزیابی کرده بود. متن جوابیه ایشان به شرح زیر است:

باسمه‌تعالی

برادر گرامی حاج حسین شریعتمداری
مدیرمسئول محترم روزنامه کیهان
سلام علیکم

اندکی توجه به ادبیات مطالعات تروریسم کافی است تا روشن شود قصاص هیچ ربطی به چرخه خشونت ندارد و ایجاد چرخه انتقام و خشونت یک تاکتیک روانشناسانه تروریستی است نه یک باب از ابواب فقهی. چرخه خشونت در اصطلاح مرسوم مطالعات تروریسم و ضد تروریسم دامی است که تروریست‌ها تلاش می‌کنند دولت‌ها را در تله آن گرفتار کنند تا بتوانند با ایجاد یک محیط عملیاتی و امنیتی مناسب از میان مردم بومی یارگیری کنند. کافی است واژگان «چرخه معیوب خشونت» یا «vicious cycle of terrorism» در موتورهای جست‌وجو بررسی شود تا بسامد چند صد هزار موردی کاربرد این واژگان رخ بنماید.

تروریست‌های تکفیری و التقاطی نام «مدیریت توحش» را برای این چرخه انتخاب کرده‌اند و می‌گویند باید «در میان امت یک فضای دوقطبی ایجاد کرد» یعنی جامعه را چنان در چنبره چرخش خشونت گرفتار کرد که امت نتواند بی‌طرف بماند و ناچار شود میان ما و آنها انتخاب کند. تروریست‌ها بر ضعف نظامی خود آگاه هستند و برای جبران این ضعف می‌کوشند اجازه ندهند «دشمن آنها» تاکتیک خون‌ریزی حداقلی و نقطه‌زنی اطلاعاتی را انتخاب کند بلکه تلاش می‌کنند تا آنجا که می‌توانند «دشمن» را به خونریزی ناموجه و نامحدود بکشانند. در ادبیات مبارزه با تروریسم نیروی مقابله‌ای باید نشان دهد که دست تروریست‌ها را خوانده است. مبارزه کارآمد و قاطع با تروریسم در عین مبارزه فیزیکی و کاملا ضروری با تروریست‌ها متضمن «شکستن چرخه باطل انتقام و خشونت» است.

تجربه نشان